

- و آدم، زن خود حوا را بشناخت و او حامله شده، قائن را زایید و گفت: «مردی از یهوه حاصل نمودم.»
- 2 و بار دیگر برادر او هابیل را زایید. و هابیل گله‌بان بود، و قائن کارکن زمین بود.
- 3 و بعد از مرور ایام، واقع شد که قائن هدیه‌ای از محصول زمین برای خداوند آورد.
- 4 و هابیل نیز از نخست‌زادگان گله خویش و پیه آنها هدیه‌ای آورد. و خداوند هابیل و هدیه او را منظور داشت،
- 5 اما قائن و هدیه او را منظور نداشت. پس خشم قائن به شدت افروخته شده، سر خود را بزیر افکند.
- 6 آنگاه خداوند به قائن گفت: «چرا خشمناک شدی؟ و چرا سر خود را بزیر افکندی؟
- 7 اگر نیکویی می‌کردی، آیا مقبول نمی‌شدی؟ و اگر نیکویی نکردی، گناه بر در، در کمین است و اشتیاق تو دارد، اما تو بر وی مسلط شوی.»
- 8 و قائن با برادر خود هابیل سخن گفت. و واقع شد چون در صحرا بودند، قائن بر برادر خود هابیل برخاسته، او را کشت.
- 9 پس خداوند به قائن گفت: «برادرت هابیل کجاست؟» گفت: «نمی‌دانم، مگر پاسبان برادرم هستم؟»
- 10 گفت: «چه کرده‌ای؟ خون برادرت از زمین نزد من فریاد برمی‌آورد!
- 11 و اکنون تو ملعون هستی از زمینی که دهان خود را باز کرد تا خون برادرت را از دستت فرو برد.
- 12 هر گاه کار زمین کنی، همانا قوت خود را دیگر به تو ندهد. و پریشان و آواره در جهان خواهی بود.»
- يعقوب ایش 1
- لکن برادر مسکین به سرافرازی خود فخر بنماید،
- 10 و دولتمند از مسکنت خود، زیرا مثل گلِ علف در گذر است.
- 11 از آنرو که آفتاب با گرمی طلوع کرده، علف را خشکانید و گلش به زیر افتاده، حُسن صورتش زایل شد: به همین‌طور شخص دولتمند نیز در راه‌های خود، پژمرده خواهد گردید.
- 12 خوش‌بحال کسی که متحمل تجربه شود، زیرا که چون آزموده شد، آن تاج حیاتی را که خداوند به محبان خود وعده فرموده است خواهد یافت.
- 13 هیچ‌کس چون در تجربه افتد، نگوید، خدا مرا تجربه می‌کند، زیرا خدا هرگز از بدیها تجربه نمی‌شود و او هیچ‌کس را تجربه نمی‌کند.
- 14 لکن هرکس در تجربه می‌افتد، وقتی که شهوت وی او را می‌کشد، و فریفته می‌سازد.
- 15 پس شهوت آبستن شده، گناه را می‌زاید و گناه به انجام رسیده، موت را تولید می‌کند.
- 16 ای برادرانِ عزیز من، گمراه مشوید!
- لوقا ایش 22
- و در میان ایشان نزاعی نیز افتاد که کدام یک از ایشان بزرگتر می‌باشد.
- 25 آنگاه به ایشان گفت، سلاطین امت‌ها بر ایشان سروری می‌کنند و حُکام خود را ولینعمت می‌خوانند.
- 26 لیکن شما چنین مباشید، بلکه بزرگتر از شما مثل کوچ‌کنان باشد و پیشوا چون خادم.
- 27 زیرا کدام‌یک بزرگتر است؟ آنکه به غذا نشیند یا آنکه خدمت کند؟ آیا نیست آنکه نشسته است؟ لیکن من در میان شما چون خادم هستم.
- 28 و شما کسانی می‌باشید که در امتحانهای من با من به سر بردید.
- 29 و من ملکوتی برای شما قرار می‌دهم چنانکه پدرم برای من مقرر فرمود،
- 30 تا در ملکوت من از خوان من بخورید و بنوشید و بر کرسیها نشسته بر دوازده سبط اسرائیل داوری کنید.
- 31 پس خداوند گفت، ای شمعون، ای شمعون، اینک، شیطان خواست شما را چون گندم غربال کند،
- 32 لیکن من برای تو دعا کردم تا ایمانت تلف نشود؛ و هنگامی که تو بازگشت کنی برادران خود را استوار نما.